

رویکردهای نوین در بنگاهداری اقتصاد بالادستی

دکتر بیژن مستقل • سردبیر |

بازیگران نقش آفرین حوزه‌ی اقتصاد بالادستی جهان امروز، صاحبان منابع و ذخایر هیدروکربنی (Landlords)، صاحبان پول و سرمایه (Investors) و صاحبان فن آوری و دانش‌بنیان (knowledge Base Co.) هستند. هر دو ترکیب IOC و NOC، وابسته به جزء سوم یعنی خلق دانش و فن آوری هستند؛ چه داخل خودشان چه در استخدام و مدیریت خودشان. شرکت‌های بین‌المللی نفتی این جزء سوم را در نسل اول در درون خود ایجاد کردند، سرمایه‌ها را به سمت خود جذب نمودند و تجارت E&P را شکل دادند. امروزه این جزء سوم با سرعت پیشرفت علوم و فن آوری‌ها و نوآوری‌های تجاری‌سازی شده، مستقل و ایزوله حرکت می‌کند و کنترل دو جزء IOC و NOC از بیرون می‌تواند سهم خود را از این جزء سوم مطالبه کند. قراردادهای نفتی امروز برای دو ستانده‌ی Contractor Take و Government Take خود، این جزء سوم را کنترل و رگولاتوری می‌کنند. افزایش برداشت مؤثر و کارآ از مخزن در گرو عملکردهای دارای بازده و کاربرد فن آوری‌های پیشرفته است.

این در واقع حصول اطمینان برای برگشت سرمایه‌هاست که هم صاحبان میدین نفتی و هم شرکت‌های بین‌المللی در تجارت اکتشاف و تولید به دنبال آن هستند.

همین امر دغدغه‌ی مدیران، مهندسان و حاکمیت در صنعت نفت است؛ هم در نظام رژیم‌های مالی مرتبط (یعنی قراردادهای نفتی بالادست، مثل قراردادهای IPC و قراردادهای قبلی) و هم در ساز و کار اجرایی بنگاهداری آن (یعنی شرکت‌های E&P). این مطلب هسته‌ی اصلی مناقشه و حساسیت و در واقع گفتمان اقتصاد مقاومتی است.

ضمانت M و N قراردادهای جدید و ساختار شرکت‌های اکتشاف و تولید جدید باید این فرآیند درون‌زای اخذ و تعاملات فن‌آورانه

را مدیریت و کنترل کنند و نفع ملی و رشد اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز در این نحوه‌ی جذب سرمایه برای پیشبرد پروژه‌های بالادستی محقق شود. در این مقوله شاخصه‌ها باید کمی، مستند و قابل اندازه‌گیری باشند؛ یعنی سهم داخل، پذیرش محسوس فن آوری و تجاری‌سازی بعدی آن در حلقه‌ای بسته و شفاف.

جهت حصول چنین نتیجه‌ای باید تمامی نهادهای دولتی، خصوصی و دانشگاهی و حاکمیتی، فارغ از هرگونه سیاسی‌کاری، سهم‌خواهی یا سطحی‌نگری، در یک هم‌افزایی مدیریت شده تحت لوای جنبشی صنعتی، مشارکت و همیت از خود نشان دهند. امروزه در کشورهای صاحب این منابع، دست‌کم در منطقه‌ی خاورمیانه، قطر و روسیه در بیضی گاز جهانی و عربستان و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و همسایه‌ی غربی، فرآیند بنگاهداری اقتصادی بالادستی فرم و بلوغ سیستماتیک خود را در حوزه‌ی اندیشه و مدیریت بهینه و نظام‌مند پیدا کرده‌اند که هم‌نواپی مؤثر و زمان‌مند ما با این ریتم مستلزم حساسیت و هوشیاری فزاینده‌ای است.

مدیریت دارایی‌های بالادستی Upstream Asset Management واجد ساز و کاری مشخص، حساس و اصولی است که رکن رکن آن تخمین، ارزیابی و سرشت‌نمایی احجام هیدروکربنی است. در فرآیند استوکاستیک یا احتمالاتی، قاعده‌ی مدیریت و آنالیز عدم اطمینان از سطح حوضه‌ی رسوبی Basin تا سطح یک ساختمان نفتی یا گازی Prospect است که بر اساس آن سناریوی Risk-Reward و قاعده‌ی قراردادی یک دارایی بالادستی تبیین می‌شود. این مهم طی سالیان متمادی قبل در کشورمان به‌درستی مدیریت و اجرا نشده و جا دارد ساختار و رویکرد جدید آنرا در معاونت‌های مهندسی و توسعه و نظارت بر منابع هیدروکربنی تعقیب و

نهادینه کند. پس از این اقدام، نقش چارچوب قراردادهای نفتی بسیار مهم است. ماهیت و شناسنامه‌ی هر پهنه‌ی بالادستی در کشور بر اساس پتانسیل و شرایط آن می‌تواند گویای توسعه بر اساس نوع خاصی از قراردادها باشد که امروزه در جهان عرف شده است. مثلاً آیا می‌شود نواحی اکتشافی پرریسک و پیچیده را با روش قرارداد خدماتی (که قراردادهای بای. بک و آی. پی. سی از همین نوع هستند) واگذار کرد؟ بدیهی است که خیر. امروزه این نواحی را با قراردادهای Royalty-Tax واگذار می‌کنند و سهم دولت‌ها و صاحبان این دارایی‌ها از رژیم‌های بهره‌ی مالکانه و مالیات‌های مؤثر تأمین می‌شود و در صورت مثبت بودن نتیجه و تجاری شدن ذخیره‌ی کشف شده، توسعه انجام می‌گردد. در سیاست‌های راهبردی ابلاغی توسط وزیر محترم در امور اکتشاف و بالادستی، بر حداکثر استفاده از سرمایه‌ی خارجی و انتقال ریسک به شرکت‌های بین‌المللی تأکید شده که باید پرسید با چه نوع قراردادی و با چه بستر منطقی بنگاهداری؟ بنابراین چابکی و تصمیم‌گیری و استدلال در تشریح و توضیح قدم دوم؛ یعنی استفاده از انواع ابزارها و قراردادهای معمول با حفظ اصول و قانون نفت، می‌تواند اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق کند و در غیر این صورت شاهد وضعیت موجود هستیم که سال‌هاست برای این‌گونه دارایی‌ها تصمیم نگرفته و معطل مانده‌ایم. در حالی که در جهان بر سر این پهنه‌ها، مسابقه و بازاریابی فشرده‌ای انجام می‌شود. به‌جرات می‌توان گفت بیش از ۶۰ درصد دارایی‌های هیدروکربنی ما اعم از اکتشافی، توسعه‌ای و حتی تولیدی، معطل این رویکردها و تصمیم‌گیری‌های اساسی است. امید است شاهد روزی باشیم که گزارش جامعی توسط اندیشمندان جامعه‌ی صنعت نفت کشورمان تهیه و به حوزه‌ی تصمیم‌گیری سپرده شود؛ انشاء... ■